

شرح مثنوی معنوی

با نگاهی تطبیقی به مبانی عرفان نظری

دفتر سوم

ناهمید عبقری

انتشارات بانگ نی

۱۳۹۵

سرشناسه : عبقري، ناهید، ۱۳۳۱ -

عنوان قراردادی : مثنوی. شرح

عنوان و نام پدیدار : شرح مثنوی معنوی (با نگاهی تطبیقی به مبانی عرفان نظری) / ناهید عبقری.

مشخصات نشر : مشهد: بانگ نم، ۱۳۹۴ -

مشخصات ظاهری : ج.

شایبک : دوره 7-6-95302-600-978 : 9-2-95302-600-978 : ج. 3

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد

شناسه افزوده : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی. شرح

رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۴ش ۲۶ ۵۳۰/۱/۶ PIR

رده بندی دیوپی : ۸۳۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۰۶۸۲۸



نام کتاب : شرح مثنوی معنوی (با نگاهی تطبیقی به مبانی عرفان نظری) دفتر سوم

نویسنده : ناهید عبهر

ویراستار : عفت السّارات شہیدی

ویراستار : زهرا رحمانی

ویراستار : نسیم نیک پور

حروف چینی و صفحہ آرایہ : اسد احمدی

خطاط : شراره شیرنگی

طراح جلد : نسیم نیک پور

جواب : دقت

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۵

شمارگان : ۲۰۰۰

شاک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۰۲-۲-۹

شاہک دورہ : ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۳۰۲-۶-۷

تعداد صفحات : ۷۰۴ صفحه وزیری

بها : ۵۰۰۰ تومان (دوره ۶ جلدی: ۳۰۰۰۰ تومان)

ناشر : بانگ نئی

مرکز پخش: انتشارات بانگ نی، مشهد، هنرستان ۵، یلاک ۲۴، تلفکس ۳۸۶۷۳۳۱۳

<http://www.bangency.ir>

e-mail: info@bangeney.ir

فهرست اجمالی حکایات و قصص و مطالب

دفتر سوم

عنوان	شماره بیت	ص
۱- دیباچه عربی	۱۵	ص
۲- ترجمه دیباچه عربی	۱۶	ص
۳- مجلد سیم از کتاب «حوی»	۱	
۴- قصه خورندگان پیل به نظر حسن و ترک نصیحت ناصح	۶۹	
۵- بیان آنکه خطای محبان بهر است از صراحت بیگانگان بر محبوب	۱۷۲	
۶- امر حق به موسی (ع) که مرا با دهان حیوانی...	۱۸۰	
۷- بیان آنکه الله گفتن نیازمند عین لُبیک گفتن خداست	۱۸۹	
۸- فریفتن روستایی شهری را...	۲۳۶	
۹- قصه اهل سبا و طاعی کردن نعمت ایشان را...	۲۸۲	
۱۰- جمع آمدن اهل آفت هر صباحی بر در صومعه عیسی	۲۹۸	
۱۱- دعوت باز بطنان را از آب به صحرا	۴۳۲	
۱۲- قصه اهل ضروان و حیلت کردن ایشان...	۴۷۴	
۱۳- نواختن مجنون آن سگ را که مقیم کوی لیلی بود	۵۶۷	
۱۴- افتادن شغال در حُم رنگ و...	۷۲۱	
۱۵- چرب کردن مرد لافی لب و سیلت خود را هر بامداد...	۷۳۲	
۱۶- ایمن بودن بلعم با عور که امتحان ها کرد حضرت او را...	۷۴۷	
۱۷- دعوی طاووسی کردن آن شغال که در خم صباغ افتاده بود	۷۶۶	
۱۸- تشبیه فرعون و دعوی الوهیت او بدان شغال که دعوی طاووسی می کرد	۷۷۸	
۱۹- تفسیر «وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ»	۷۹۰	
۲۰- قصه هاروت و ماروت و دلیری ایشان بر امتحانات حق تعالی	۷۹۷	
۲۱- قصه خواب دیدن فرعون آمدن موسی (ع) و...	۸۴۰	

- ۲۲- حکایت مارگیر که ازدهای فسرده را مرده پنداشت و... ۹۷۶
- ۲۳- تشبیه کردن قرآن مجید را به عصای موسی... ۱۱۹۸
- ۲۴- اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل ۱۲۶۰
- ۲۵- توفیق میان این دو حدیث که «الرضا بالكفر کفر» و... ۱۳۶۳
- ۲۶- مثل در بیان آنکه حیرت مانع بحث و فکر است ۱۳۷۷
- ۲۷- داستان مشغول شدن عاشقی به عشق نامه خواندن... ۱۴۰۷
- ۲۸- حکایت آن شخص که در عهد داوود علیه السلام شب و روز دعا می کرد... ۱۴۵۱
- ۲۹- بیان آنکه علم را دو پر است و گمان را یک پر است... ۱۵۱۱
- ۳۰- مثال رنجور شدن آدمی به وهم تعظیم خلق و... ۱۵۲۳
- ۳۱- عقول خلق متفاوت است در اصل فطرت و نزد معتزله متساوی است... ۱۵۴۰
- ۳۲- در هم افکندن کودکان اوستاد را... ۱۵۴۷
- ۳۳- در بیان آنکه تن روح را چون لباسی است و... ۱۶۱۱
- ۳۴- حکایت آن درویش که در کوه خلوت کرده بود و... ۱۶۱۵
- ۳۵- دیدن زرگر عاقبت کار او سخن بر وفق عاقبت گفتن... ۱۶۲۵
- ۳۶- تشبیه بند و دام... ۱۶۵۱
- ۳۷- حکایت استر پیش استر که هر یک از در رو می افتد... ۱۷۴۷
- ۳۸- اجتماع اجزای خر عزیر علیه السلام بدان بوسیدن به اذن الله... ۱۷۶۴
- ۳۹- جَزَع ناکردن شیخی بر مرگ فرزندان خود... ۱۷۷۳
- ۴۰- قصه خواندن شیخ ضریب مصحف را... ۱۸۳۶
- ۴۱- صبر کردن لقمان چون دید که داوود حلقه ها می بافت... ۱۸۴۳
- ۴۲- صفت بعضی اولیا که راضی اند به احکام و... ۱۸۷۹
- ۴۳- سؤال کردن بهلول آن درویش را... ۱۸۸۵
- ۴۴- قصه دقوقی رحمة الله علیه و کراماتش... ۱۹۲۵
- ۴۵- سر طلب کردن موسی خضر را... ۱۹۶۳
- ۴۶- بیان اشارت سلام سوی دست راست در قیامت... ۲۱۶۸
- ۴۷- تصورات مرد حازم... ۲۲۰۳
- ۴۸- گواهی دادن دست و پا و زبان بر سر ظالم هم در دنیا... ۲۴۵۶
- ۴۹- بیان آنکه نفس آدمی به جای آن بخونی است... ۲۵۰۵
- ۵۰- گریختن عیسی علیه السلام قیاز کوه از احمقان... ۲۵۷۱
- ۵۱- قصه اهل سبا و حماقت ایشان... ۲۶۰۱
- ۵۲- شرح آن کور دوربین و آن کر تیزشنو و آن برهنه دراز دامن... ۲۶۲۹

۲۷۲۹	۵۳- حکایت خرگوشان که خرگوشی را پیش بیل فرستادند...
۲۷۸۶	۵۴- بیان آنکه هر کس را نرسد مثل آوردن...
۲۸۰۰	۵۵- حکایت آن دزد که پرسیدند که چه می‌کنی...
۲۸۴۲	۵۶- معنی حزم و مثال مرد حازم...
۲۸۶۳	۵۷- وخامت کار آن مرغ که ترک حزم کرد...
۲۸۸۶	۵۸- حکایت نذر کردن سگان هر زمستان...
۲۹۰۱	۵۹- منع کردن [منکران] انبیا را...
۲۹۸۴	۶۰- حکمت آفریدن دوزخ آن جهان...
۲۹۹۹	۶۱- بیان آنکه حق تعالی صورت ملوک را...
۳۰۱۵	۶۲- قصه عشق صوفی بر سفره تهی...
۳۰۳۱	۶۳- مخصوص بود یعقوب علیه السلام به چشیدن...
۳۰۵۶	۶۴- حکایت ایر و غلامش که نمازبازه بود...
۳۰۹۴	۶۵- بیان آنکه ایمان بدو خوب است و رجا...
۳۱۰۵	۶۶- بیان آنکه رسول علیه السلام فرمود...
۳۱۱۱	۶۷- حکایت مندیل در تنور...
۳۱۳۱	۶۸- قصه فریاد رسیدن رسول علیه السلام بارون عرب را...
۳۲۰۵	۶۹- بیان آنکه حق تعالی هر چه داد و آفرید...
۳۲۲۱	۷۰- آمدن زن کافر با طفل شیرخواره...
۳۲۳۹	۷۱- ربودن عقاب موزه مصطفی علیه السلام و بردن هوا و گون کردن و...
۳۲۶۷	۷۲- استدعای آن مرد از موسی زبان بهایم با طیور...
۳۴۰۰	۷۳- حکایت آن زنی که فرزندش نمی‌زیست...
۳۴۲۰	۷۴- درآمدن حمزه رضی الله عنه در جنگ بی‌زره...
۳۴۹۵	۷۵- حيلة دفع مغبون شدن در بیع و شرا...
۳۵۱۸	۷۶- وفات یافتن بلال رضی الله عنه با شادی...
۳۵۳۶	۷۷- حکمت ویران شدن تن به مرگ...
۳۵۴۶	۷۸- تشبیه دنیا که به ظاهر فراخ است و به معنی تنگ...
۳۵۶۷	۷۹- بیان آنکه هر چه غفلت و غم و کاهلی و...
۳۵۸۴	۸۰- تشبیه نص با قیاس...
۳۶۰۳	۸۱- آداب المستمعین و المریدین...
۳۶۱۹	۸۲- شناختن هر حیوانی بوی عدو خود را و...
۳۶۳۶	۸۳- فرق میان دانستن چیزی به مثال و تقلید و...

- ۸۴- جمع و توفیق میان نفی و اثبات ۳۶۵۹
- ۸۵- مسأله فنا و بقای درویش ۳۶۷۰
- ۸۶- قصه وکیل صدر جهان ۳۶۸۷
- ۸۷- پیدا شدن روح اَلْقُدُس به صورت آدمی بر مریم ۳۷۰۱
- ۸۸- پرسیدن معشوقی از عاشق غریب خود که ۳۸۰۹
- ۸۹- صفت آن مسجد که عاشق کش بود و آن عاشق مرگ جوی ۳۹۲۳
- ۹۰- عشق جالینوس برین حیوة دنیا بود که ۳۹۶۱
- ۹۱- گفتن شیطان قریش را که به جنگ احمد آید که ۴۰۳۷
- ۹۲- تمثیل گریختن مؤمن و بی صبری او در بلا ۴۱۶۰
- ۹۳- تمثیل صابر شدن مؤمن چون بر شر و خیر بلا واقف شود ۴۱۹۷
- ۹۴- ذکر خیالی بداندیشیدن قاضی فهمان ۴۲۲۸
- ۹۵- تفسیر این خبر مصطفی علیه السلام که ۴۲۴۵
- ۹۶- بیان آن که رفتن آسیا و اولیا به کوه ها ۴۲۵۱
- ۹۷- تشبیه صورت ابراهیم و سورت کلام اولیا ۴۲۵۹
- ۹۸- تفسیر «یا جِبَالُ اُتِیْ مَعِی الطَّيْرُ» ۴۲۶۹
- ۹۹- جواب طعنه زننده در مثنوی «آفتاب و ماه فهم خود» ۴۲۸۳
- ۱۰۰- مثل زدن در رمیدن کوزه اسیران ۴۲۹۳
- ۱۰۱- تفسیر آیت «وَاجْلِبْ عَلَیْهِمْ یَحْیَیْکَ رِجْلُکَ» ۴۳۲۷
- ۱۰۲- جذب هر عنصری جنس خود را که ۴۴۲۲
- ۱۰۳- مُتَجَلِّب شدن جان نیز به عالم ارواح ۴۴۳۶
- ۱۰۴- فَنَسَخ عَزَائِم و نَقَض ها ۴۴۶۳
- ۱۰۵- نظر کردن پیغامبر علیه السلام به اسیران و ۴۴۷۴
- ۱۰۶- تفسیر این آیت که: «إِنْ تَسْتَغْفِرُوا فَقَدْ جَاءَکُمْ الْفَتْحُ» ۴۴۸۷
- ۱۰۷- سزا آنکه بی مراد بازگشتن رسول علیه السلام از حدیبیه ۴۵۰۴
- ۱۰۸- تفسیر این خبر که مصطفی علیه السلام فرمود: «لَا تَقْضَلُونِی عَلٰی» ۴۵۱۳
- ۱۰۹- بیان آنکه طاغی در عین قاهری مقهورست و در عین منصورى مأسور ۴۵۶۲
- ۱۱۰- جذب معشوق عاشق را ۴۶۰۲
- ۱۱۱- داد خواستن پشه از باد به حضرت سلیمان علیه السلام ۴۶۲۵
- ۱۱۲- حکایت عاشقی دراز هجرانی و بسیار امتحانی ۴۷۵۰

بسم الله الرحمن الرحيم

حکمت‌ها، سپاهیان پروردگارند که خداوند جان‌های مریدان را به وسیلهٔ آن‌ها نیرو می‌بخشد. دانش‌شان را از عیب نادانی و عدل‌شان را از پلیدی ستم و بخشندگی‌شان را از حرص ریا و بردباری‌شان را از شائبهٔ بی‌خردی پاک می‌گرداند. اسرار جهان آخرت را که از ادراک آنان به دور مانده است به فهمشان نزدیک می‌سازد و اطاعت و کوششی را که بر آنان دشوار می‌نماید سهل می‌کند. حکمت‌ها، از سخنان روشن پیامبران و دلایل آن‌هاست که در مورد اسرار الهی، جرّگی و محض پروردگار نسبت به عارفان خیر می‌دهد.

حکمت‌ها، ما را از استبداد خداوند بر فلک نورانی رحمانی که چون مرواریدی درخشان است و بر فلک کروی دُخانی تسلط دارد، آگاه می‌سازد همچنانکه عقل بر صور خاکی و حواس ظاهری و باطنی آن تسلط دارد، گردش این فلک روحانی نیز بر فلک دُخانی و شهاب‌های درخشان، چراغ‌های نورانی، بادهای سازنده، زمین‌های هموار و آب‌های روان مسلط است. خداوند بندگانش را بر این حکمت‌ها بهره‌مند گرداند و بر قدرت و درک و دریافتشان بیفزاید.

بی‌شک هر خواننده‌ای به اندازهٔ توانمندی خرد خویش و فهم او هر زاهدی به اندازهٔ توان خود زهد می‌ورزد و هر فقیهی به میزان اندیشه‌اش فتوا می‌دهد و هر صدقه‌دهنده‌ای به اندازهٔ وسعش صدقه می‌دهد و هر بخشنده‌ای به قدر مُکنتش می‌بخشد و هر بخشوده‌ای به میزان شناختش از صاحب فضل، بخشش می‌بیند.

اما نیازمند آب در بیابان بیهوش اگر از آب دریا آگاه هم باشد، این آگاهی او را از طلب آب باز نمی‌دارد و با سعی و تلاش در جست‌وجوی آب حیات است پیش از آنکه تأمین

معاش، او را از این خواسته باز دارد و علت و نیازی او را واپس دارد و عرض‌ها میان او و آنچه در طلبش شتاب می‌کند حائل شود.

هرکس که نفس را برگزیند و تن آسایی کند و از طلب روگردان باشد و بر جانش ترسان و همه همتش را بر زندگی دنیوی‌اش مصروف دارد، به علم دست نیازد، جز کسی که به خداوند پناه ببرد و دینش را به دنیایش برتری نهد و از گنجینه حکمت الهی به اموال کلان دست یازد که نقصان و کساد نمی‌پذیرد و مانند خطام دنیوی میراث میراث‌خواران نگردد. [طالب گنجینه الهی] به انوار گرانقدر و جواهرات گرانبها و آبادی‌های پرناز و نعمت دست می‌یابد، [در حالی که] خداوند را به خاطر بخشش‌هایش سپاس می‌گوید و مقامش را بزرگ می‌دارد و عظمش را می‌ستاید. از پستی لذات دنیوی و از سفاهتی که [عبادت] اندک خود را بسیار بیند، بسیار دیگری [عبادت‌ها] را اندک شمرد و از تکبر و غرور که خداوند اجازه نفرموده است، باز خداوند پناه می‌برد.

بر دانای جویای حق است که آنچه را نداند، بیاموزد و آنچه را داند، بیاموزاند و با کندذهنان با نرمی رفتار کند و از کودکان آنان [به فهم و درک خود] نبالد و نسبت به آنان درشتی نکند، «شما نیز پیش از این چنان بودید، ولی خدا بر شما منت نهاد»^۱، و خداوند متعال از سخنان کافران و شرک مشرکان و نفاق و نفاق‌های که ناقصان به او نسبت می‌دهند و از تشبیه تشبیه‌کنندگان و از پندارهای ناروای اندیشمندان و از چگونگی‌های پندارگرایان پاک و منزّه است.

سپاس و بزرگی خدای را سزااست که مثنوی الهی را بر آید و آمد و توفیق دهنده و بخشنده اوست و قدرت و نعمت از آن اوست، به خصوص نسبت به بندگان عارفش، علی‌رغم میل کسانی که «می‌خواهند نور خدا را با دهن‌های خویش خاموش سازند، [از حال] که خدا کامل کننده نور خویش است. اگرچه کافران را ناخوش آید» و «بی‌شک ما خود قرآن را نازل کردیم و خبر بکهین آن هستیم»^۲ و «هرکس که پس از شنیدن آن، بخواهد آن را دگرگون سازد، گناهش بر آن کسانی است که آن را دگرگون می‌سازند و خدا شتوای داناست»^۳.

مقدمه

در دفتر سوم که احتمالاً شروع آن در سال ۶۶۲ بوده، قریحه شاعرانه مولانا در اوج تابناکی خویش است و نکات ناب دلنشینی را در قصه «مسجد مهمانگش و عاشق لایالی» و «وکیل صدر جهان» مطرح می‌کند و روح عاشق وی با شورانگیزترین پیام‌ها، به نمایش می‌آید و همگان را به ملکوت عشق فرا می‌خواند.

ابیات آغازین دفتر سوم حاکی از بیماری و نالانی حسام‌الدین است که ضعف جسمانی و ملالت خاطر ناشی از امراض وی را از خواست دفتری دیگر و توجه به مثنوی باز داشته است. مولانا در این ابیات می‌کوشد تا بر روی بیماری‌های جسمانی را نزد وی کم‌اهمیت جلوه دهد و به او خاطر نشان می‌کند که قوت بردان حل نشأت گرفته از قدرت الهی است نه از عروق و حرارت جسمانی و در تبیین آن به شرح این امر می‌پردازد که علی‌رغم آنکه دنیای محسوسات، عالم آکل و مأكول است و در این جهان - رانی از عناصری طبیعی مایه گرفته؛ اما مزاج تو در «ولادت ثانی» روحانی شده و اینک به قوت روح زنده است و تحت تأثیر عناصر و تبدل و انحراف آن‌ها نیست.

همچنین به تقریر این نکته می‌پردازد که میان طئی مراحل رشد جسمانی در رتبی مراتب روحانی مشابهتی موجود است و در تبیین تشابه آن‌ها متذکر این امر می‌گردد که در دنیای آکل و مأكول هرگونه تبدیل مزاجی سبب می‌شود تا موجود زنده از غذایی که در مرتبه پایین‌تر بر خوردار بوده است فطام یابد و به غذایی برتر که متناسب با مزاج اوست خو بگیرد. همان‌گونه که جنین در بطن مادر از خون تغذیه می‌کند و با تولد از خون باز گرفته می‌شود و شیر را مناسب مزاج خود می‌یابد و پس از دوران شیرخوارگی، از شیر مادر فطام می‌جوید و مزاج او مبدل می‌گردد و با انواع اغذیه و اشربه تناسب پیدا می‌کند. تبدیل مزاج در طئی مراتب روحانی نیز همانند آن است. مزاج آدمی در عالم کثرت به شیر دنیوی «شبهات و

مشتهیات دون» خوگر شده است و تا از آن فطام نیابد، مزاج وی که عنصری و تحت تأثیر عناصر است مبدل نمی‌گردد و روحانی نمی‌شود و در صورت حصول آن در همین عالم محسوس، ولادتی ثانی می‌یابد و جزو ابدال حق محسوب می‌گردد.

ابدال حق که مزاجی روحانی یافته و به ادراکات عالی عوالم روحانی نایل گشته‌اند از سر شفقت، عام خلق را به ارتقای جان و شهود حقایق فرا می‌خوانند؛ اما آنان که همانند جنین در زهدان مادر، به تنگنای ادراکات حقیر خویش مألوف شده‌اند از قبول پسند ناصحان تن می‌زنند و احوال این سرکشان، جرّ جزّار کلام را تداعی گر قصّه «خورندگان پیل بچه» می‌دارد که با ترک نصیحت ناصحان، عاقبتی شوم را نصیب می‌یابند.

www.ketab.ir